

بسمه تعالی

جلسه دهم سرکار خانم ربحانی

بسم الله الرحمن الرحيم انه هو خير ناصر و معين.

سلام عرض می‌کنم و فرا رسیدن ایام فاطمیه را تسلیت عرض می‌کنم. یک سری سؤال کرده بودند در مورد پرسش‌هایی که بچه‌ها از ما دارند.

در جلسات گذشته، سؤالاتی مطرح شد درباره پرسش‌های جنسی که بچه‌ها دارند. مسأله‌ای که باید بگویم این است که پرسش‌های بچه‌ها، در هر سنین فرق می‌کند. بچه‌های کوچک‌تر یک سری سؤالات مخصوص به خودشان را دارند بزرگ‌ترها هم همین‌طور سن بلوغ هم همین‌طور. من در وهله اول یک سری اصولی را خدمت عزیزان در مورد پرسش‌های جنسی بچه‌ها بگویم. ما در هر دوره سنی که بچه‌ها سؤالاتی راجع به این بخش داشتند ما باید پایبند این اصول باشیم. اصولی که در پاسخ‌گویی ما به آن اهمیت می‌دهیم اول این است که گفتیم آموزش جنسی نداریم، لذا تربیت جنسی داریم. منتها در تربیت، که یک روند پیوسته و همیشگی است، ما یک بحثی را که باید رعایت کنیم و بحث آموزشی است که در خلال تربیت داریم. این آموزش یک بخشی از تربیت ما را به خودش اختصاص می‌دهد (مد نظرم تربیت جنسی است) اصل اولش این است که آن آموزشی که به بچه‌ها می‌دهیم باید تدریجی باشد. نباید یک دفعه تا بچه سؤال می‌کند ما قشنگ انگار که کلاس درس است، او را بنشانیم و بخواهیم او را با تمام جزئیات بمباران اطلاعاتی کنیم! به هیچ عنوان نه. اصل اول رعایت ویژگی تدریجی بودن آموزش است. به تدریج سؤال‌هایی که بچه از ما دارد را پاسخ می‌دهیم. حالا نحوه پاسخ‌دهی را هم می‌گویم. در واقع وقتی بچه سؤال می‌کند ما فقط باید جواب همان سؤال را بدهیم. نه این که یک دفعه دست‌پاچه شویم که ممکن است بچه‌های ما دوباره سؤال برایشان پیش بیاید پس بگذار دیگر نپرسد، سؤال بعدی، سؤال بعدی، را هم جواب بدهم؛ نه. به هیچ عنوان.

صرفاً همان سؤالی را که از ما می‌کند، همان را جواب می‌دهیم و به تدریج هم آموزش‌ها را برایش داریم. جواب‌های ما باید به چه شکلی باشد؟ باید کوتاه، ساده و قابل فهم برای سن بچه‌ها باشد. ما در واقع باید متناسب با سن بچه‌ها پرسش‌هایی که دارند را خیلی ساده و قابل فهم براساس سن‌شان جواب بدهیم. در واقع برای ارضای کنجکاوی بچه‌ها، حداکثر ۲ یا ۳ کفایت می‌کند. به هیچ عنوان وارد جزئیات نمی‌شویم.

اصل بعدی، این است که در پاسخ‌گویی به پرسش‌های بچه‌ها، حتماً باید شفاف حرف بزنیم و صریح. صریح حرف زدن، با دریده پاسخ‌گویی فرق می‌کند. ما صراحت لهجه داریم. تا حدی که ابهام ذهنی بچه ما را از بین ببرد. در واقع پاسخ ما باید این ویژگی را داشته باشد، صراحت لهجه داشته باشیم، شفاف بگویم، متناسب



با آن سؤال، تا او ابهام ذهنی اش رفع شود. در آن موضوعاتی که سؤالی می کنند اگر این توان مندی را می بینیم که هر کدام از بچه های ما قادر هستند که جواب بدهند، یا هر کدام از والدین که توان پاسخ گویی بهتری دارد، حتماً باید بچه را به آن والد ارجاع بدهیم. یا مادر یا پدر هیچ فرقی نمی کند. حیا و حریم حتماً باید رعایت شود، در پاسخ گویی از پرده دری و جواب هایی که احتمال تحریک کنندگی وجود دارد، قطعاً باید اجتناب کنیم. نکته دیگر این است که به هیچ عنوان در مقابل سؤال بچه ها برخورد هیجانی یا نفرت انگیز نمی کنیم.

این که اگر یک سؤالی پرسید، یک دفعه برافروخته شویم یا عصبانی بشویم یا این که این قدر خجالت بکشیم که صورت مان سرخ شود یا این که اصلاً بگوییم این چه سؤالی است که داری می کنی، دیگه نمی خواهیم این سؤالات را بشنوم، این ها تمام هیجانات ماست، هیجانات در مقابل این سؤالات لطفاً ممنوع، چون خود همین هیجانات تا حد زیادی آن کنجکاوی بچه ها را افزایش می دهد و تحریک می کند و آن ها را می برد در قالب این که یا سؤال نکنند یا اگر هم بخواهند سؤال داشته باشند، سؤال را از کسی غیر از والدین کنند که این خطرش به مراتب بالاتر است. گفتیم جواب هایمان باید کوتاه باشد. صریح و شفاف باشد. علاوه بر این ها، باید کافی و قانع کننده باشد. تا این که بچه نخواهد دوباره به منبع دیگری مراجعه کند که احتمالاً منبع قابل اطمینانی نباشد.

وقتی بچه ما سؤال کرد، اولین کاری که اینجا ما باید انجام بدهیم این است که میزان اطلاعات او را ارزیابی کنیم، و فقط یک درجه بالاتر از آن اطلاعاتی که دارد به او آموزش می دهیم، تا حدی که کنجاوی اش اقلع شود. واقعاً این مهم است که میزان اطلاعات بچه را ارزیابی کنیم، هم این که از کجا این اطلاعات رو بدست آورده این هم برای پاسخ دادن به سؤالات از جانب والدین فوق العاده مفید است. که آیا این را در تلویزیون دیده یا مثلاً معلم اش حامله بوده نظرش رو جلب کرده که بیاید این سؤال را بپرسد. آیا دوستش که باهم بوده اند چیزی در گوشی به او گفته؟ قطعاً باید سعی کنیم منشأ این کنجکاوی را پیدا کنیم. هرچقدر ما منشأ کنجکاوی را بدانیم و میزان اطلاعات بچه را نسبت به موضوع واقف باشیم، قطعاً جوابی که ما می دهیم هم کافی خواهد بود و هم به درد آن حد از کنجکاوی بچه می خورد. نکته دیگر این که هم سن و هم سطح کنجکاوی را ما باید بسنجیم و این که براساس آن نیازهایی که فرزندمان دارد ما بخواهیم به او پاسخ بدهیم. اگر ما بخواهیم اطلاعات بیشتری بدهیم یا اطلاعاتی که به او می دهیم قابل درک برایش نباشد چند نتیجه دارد. یا باعث می شود که بچه ما گیج شود یا مضطرب شود.

طبق آن فرهنگ و عرفی که داریم جواب بدهیم. نه این که مثلاً فرهنگ ما فرهنگ اسلامی است توی یک جامعه ایرانی زندگی می کنیم بخواهیم مثل فرهنگ غرب پاسخ بدهیم. این واقعاً نیاز بچه ما رو به هیچ عنوان رفع نمی کند. یک سری پرسش های متداولی است بین بچه ها که می پرسند. مثلاً از ابتدا پسر و دختر چه فرقی باهم دارند، آیا دختران بهترند یا پسران، آیا شما خوشحالید که مثلاً من پسر یا دخترم. این ها سؤالات متداولی است



که بچه‌ها در سن پایین‌تر این سؤالات را می‌کنند. اینجا در جواب اول تفاوت‌ها عادی و جسمی‌شان را می‌گوییم. بعد تفاوت‌های شخصیتی‌شان را، بعد اگر قانع نشدند ما می‌آییم تفاوت بین آلت پسر و دختر را می‌گوییم. حالا به عنوان مثال، می‌گوییم پسر وقتی بزرگ می‌شود آقا می‌شود، دختر خانم می‌شود. پسر وقتی بزرگ می‌شود مثلاً ریش در می‌آورد ولی دخترها ریش در نمی‌آورند، خدا هم پسرها را دوست دارد هم دختران را، ما هم تو را خیلی دوست داریم و خوشحالیم که خدا تو را به ما داده، و اینجا هست که هم به جنسیت خودش داریم متوجه‌اش می‌کنیم هم تفاوت‌هایش را داریم می‌گوییم، هم داریم نکات ارزشمندی را برایش می‌گوییم و مطرح می‌کنیم که بخواهد به عزت نفس و اعتماد به نفس‌اش اضافه کند.

دیگر نهایتاً وقتی می‌بینیم باز هم سؤالی می‌کند می‌گوییم دختران وقتی بزرگ می‌شوند سینه‌هایشان بزرگ می‌شود پسران صدایشان کلفت‌تر می‌شود، بابا می‌شوند، خانواده‌شان را می‌توانند حمایت کنند، دختران سینه‌هایشان بزرگ می‌شود تا وقتی مادر شدند بتوانند به بچه‌هایشان شیر بدهند. ببینید، شما هم تمایز جنسی بین دختر و پسر را گفتید، هم به عنوان اندام جنسی به سینه‌هایش اشاره کردید، ولی بلافاصله ذهن‌اش را منعطف کردید به تربیت بچه و شیر دادن به بچه و این که مادر بشوند و مواظب بچه‌هایشان باشند. در واقع ذهن را آمدم هدایت کردیم به سمت کارآمدی که می‌تواند به این فکر کند. یا مثلاً بچه‌هایی که کوچکترند این سؤالات متداول است. چرا من مثلاً آلت دارم و چرا آلت من این شکلی است. مثلاً عروس و داماد برای چه عروسی می‌کنند؟ این‌ها سؤالاتی است که ممکن است بچه‌ها داشته باشند. چرا هر کسی شوهر دارد بچه‌دار می‌شود؟ دختر با دختر می‌تواند عروسی کند؟ در هفت سال دوم بچه‌ها دنبال دوست هم‌جنس خودشان می‌گردند یا پسران می‌گویند مردها می‌توانند باهم ازدواج کنند؟ اینجا باید بگوییم نه! فقط یک پسر و دختر می‌توانند باهم ازدواج کنند و بچه‌دار شوند.

پرسش مادران: بچه‌ها در سن بلوغ راجع به ازدواج‌شان صحبت می‌کنند. یا نظری می‌دهند. ما باید چه رفتار و برخوردی کنیم؟

پاسخ: ببینید همین اصولی که من اینجا خدمتتان ارائه دادم، گفتم ما همین اصول را قطعاً در بچه‌های بزرگسال هم داریم. و همین‌ها را باید رعایت کنیم. این سؤال را که می‌پرسند، خیلی سریع کوتاه به همان سؤالی که پرسیده من جواب می‌دهم. اگر می‌بینم باز هم سؤال یا ابهامی دارد باز در همان حد ابهامش را برطرف می‌کنم. باید حواسمان باشد، بچه‌ها که سؤال می‌کنند بلافاصله پدر و مادر باید کنجکاو شوند که منشأ سؤال از کجاست. به هیچ عنوان هیجانی برخورد نمی‌کنیم. کاری نمی‌کنیم بچه‌ها خجالت بکشند. خیلی راحت وقتی در مورد ازدواج‌اش صحبت می‌کند، از ما نظری می‌خواهد، خیلی راحت نظرمان را به او می‌گوییم و احساس خوشحالی می‌کنیم که من خیلی خوشحال می‌شوم وقتی می‌بینم دخترم می‌تواند ازدواج کند، پسرم وقت ازدواج‌اش رسیده



ازدواج می کند می تواند مسؤولیت زندگی را به عهده بگیرد می تواند پدر بشود و ... در حدی که بچه ها از ما سؤال کردند. از همان سن ۱۴ سالگی که در دختران قاعدتاً پایین تر هم هست این سؤالات شروع می شود.

نهایتاً بچه ها می پرسند که بچه چه شکلی به دنیا می آید یا مثلاً در مورد حاملگی می پرسند چه شکلی بچه در شکم شما زندگی می کند. آیا آنجا تاریک است؟ بچه آنجا نمی ترسد؟ چه کار می تواند بکند؟ می تواند چیزی ببیند یا بشنود؟ چه می خورد؟ لخت است یا لباس دارد؟ چطوری بچه بیرون نمی افتد؟ دردش نمی آید؟

حتی یک وقت هایی بچه های کوچک تر وقتی می فهمند که توی شکم مادر بچه است این سؤالات کنجکاوی در آنها ایجاد می شود. حالا ما که باید این سؤالات را جواب دهیم در حدی که بچه های ما قانع شوند. یا این که چطور حامله می شود؟ آیا من هم می توانم حامله شوم؟ قاعدتاً اینجا می گوئیم تو در شکم مامان به وجود آمدی و تا زمانی هم که به دنیا بیای همان جا در یک جای نرم و گرم قرار داشتی تا بیرون بیایی.

یکی از فرق های دخترها با پسرها این است که در مقابل این که چطوری حامله می شوند، آیا مردها هم حامله می شوند یا نه، اینجا می گوئیم یکی از فرق هایی که دخترها با پسرها دارند این است که در شکم دخترها یک کیسه کوچکی وجود دارد که پسرها آن را ندارند. بچه ها توی این کیسه ها هستند و بزرگ می شوند تا به دنیا بیایند. باید مراقب نجوهای بچه ها باهم سن هایشان باشیم.

اگر بچه من در این رابطه انیمیشنی را در اینترنت دیده، من باید در کنارش قرار بگیرم تا به اطلاعات او جهت بدهم، ولی اگر ندیده لزومی ندارد من انیمیشن را برایش بگذارم.

پاسخ به سوال یک مادر شما وقتی به عنوان یک شاکله و یک قانون این را توضیح بدهید، بچه ها می پذیرند، سؤال از آنجاست که شما می گوئید هر کسی باید سر جایش بخوابد می گوید من می ترسم، شما هم (پدر و مادر) لابد می ترسید که باهم می خوابید. این را ما اگر درست مدیریت کنیم بچه ها از ابتدا دارند می بینند پدر و مادر تخت مشترک دارند، بگوئید این روال است. آدم وقتی ازدواج می کند اتاق مشترک دارد به نام پدر و مادر، در همین حد. اصلاً لزومی ندارد شما بیشتر توضیح دهید.

همانطور که ما توضیح می دهیم در خانه شاکله این است که باید یک آشپزخانه داشته باشد، باید حمام داشته باشد، باید اتاق خواب داشته باشد، اتاق مشترک پدر و مادر هم مثل همین است. جای خواب خواب بچه ها با اتاق پدر و مادر باید جدا باشد.

اگر ما در جایی زندگی می کنیم که فقط یک خواب دارد، قطعاً آن اتاق باید اتاق خواب پدر و مادر باشد. به هیچ عنوان پدر و مادر توی حال نمی خوابند. شده یک قسمتی از خانه را برای بچه ها مهیا می کنیم تخت می زنیم، با یک پارتیشن جدا می کنیم آنجا را قرار می دهیم برای خوابشان که یک حریمی برای شان باشد، اما به هیچ عنوان اگر گفتیم یک اتاق خواب وجود دارد قطعاً آن اتاق خواب والدین است. دوم گفتیم ساعت خوابی که



بچه‌ها دارند، والدین باید خاطر جمع داشته باشند که بچه‌های ما، یک الی دو ساعت قبل از والدین به خواب رفته‌اند. یعنی ما اگر نظم در خواب ایجاد نکنیم زمانی که والدین بخواهند به خواب بروند یک مرادده‌ای داشته باشند و دائماً این استرس باشد که نکند بچه‌ها بشنوند یا بیدار باشند، خود همین اضطراب، اختلال ایجاد می‌کند در روابط زناشویی و مقدمه‌ای می‌شود باری مباحث فردا روز و فردا روزهای دیگر. پس قاعدتاً ما این را باید به عنوان یک قاعده معلوم در زندگی مان جا بیاندازیم که همان‌طور که در خانه آشپزخانه داشتن عادی است، اجاق گاز داشتن عادی است، پدر و مادر هم تخت مشترک دارند.

یکی از مادران: پسر ۷ ساله من، می‌داند که من خیلی دوست دارم باز هم بچه‌دار بشوم. می‌آید التماس می‌کند. چرا برای من نی نی نمی‌آوری؟

پاسخ: اینجا لزومی ندارد بگویید که شما دوست دارید بابا دوست ندارد. چون دقیقاً ذهن بچه را می‌خواهید وارد یک پروسه دیگری کنید. بگویید ان شاء الله خدا باید آمادگی اش را در والدین ببیند، اگر این آمادگی ایجاد شود حتماً خدا به ما بچه دیگری می‌دهد. نباید به او بگوییم من دوست دارم بابایت نمی‌خواهد، نه، این یک رازی بین شما و پدر است که روی اصل بچه‌دار شدن تان به تفاهم برسید و به بچه‌ها ربطی ندارد. قاطعیت والدین در این مسأله فوق‌العاده مهم است.

این که اگر بچه در فیلم‌هایی دیده که ازدواج نکنند نمی‌توانند حامله شوند، شما بگویید این حتماً ازدواج کرده، حالا ممکن است در فیلم نشان نداده، حالا ازدواجش مشروع بوده یا نامشروع را نمی‌خواهد توضیح بدهید، ولی این که قطعاً ازدواج کرده را بگویید.

بچه‌ها را ما باید تا قبل از سن ۲ سالگی رختخواب‌شان را جدا کنیم. اگر ما تا قبل از ۲ سالگی که بچه‌ها مفهوم ترس را متوجه شوند، قاعدتاً ما باید رختخواب یا اتاق‌شان را عوض کنیم حالا اگر تا این سن رسیدند و ما این کار را انجام ندادیم، قاعدتاً بچه‌ها دوست دارند که با والدین بخوابند، به هیچ عنوان اجازه ندهید که بچه‌ها در رختخواب والدین بخوابند، اگر خوابیده یک کاری کنید مثلاً از تخت بیافتد یا اصلاً به او خوش نگذرد (وقتی در رختخواب والدین خوابیده)، یعنی بچه‌ها اگر کیف کنند در رختخواب والدین بخوابند، به هیچ عنوان دیگر راضی به این که بروند در اتاق خودشان بخوابند، نمی‌شوند.

مسأله بعدی این است که یک وقت بچه‌ها در اتاق جدا می‌خواهند بخوابند بعد از این که مفهوم ترس را فهمیدند، اضطراب و استرس جدایی دارند. اینجا دیگر یک‌خورده کار والدین سخت‌تر می‌شود. این که مادر تا یک ساعتی از شب را تا این که بچه بخواهد به خواب برود، باید بنشیند، نه این که بگوید من پهلوی بچه می‌خوابم. نه، من می‌نشینم، حالا قصه می‌گویم، داستان می‌گویم، خودم را مشغول می‌کنم، تا این که متوجه این مسأله بشود که آنجا اتاق اوست، انس بگیرد با رختخواب‌اش، نه این که بعضی‌ها می‌روند یک تخت می‌خرند اتاق‌شان را



جدا می کنند و حکم می کنند که تو از امشب باید آن جا بخوابی. نه! اینجا اقتدار ما لازم است، منتها اقتدار همراه با عطوفت. چون زمانی که باید این کار را انجام می دادیم، ندادیم. بچه ها، چون مفهوم انتزاعیات را تا یک حدی در یک سنینی متوجه نمی شوند، لذا مفهوم ترس را متوجه نمی شوند. و قاعدتاً تا قبل از سن ۲ سالگی که بچه ها متوجه این مسأله نمی شوند ما باید اقدام به این جدایی کنیم و اگر نکردیم در اولین فرصت این کار را انجام بدهیم و با برنامه و در دراز مدت وقت بگذاریم تا این بچه در اتاق خودش اُنس بگیرد و در این زمان به هیچ عنوان رضایت ندهیم که بچه به رختخواب والدین برگردد والا، تخت او دکور می شود و به هیچ عنوان قادر نخواهد بود که در رختخواب خودش بخوابد.

یکی از مادران: ما تا حالا اتاق مشترک نداشتیم و الان چطوری باید جدا شویم؟

پاسخ: خوب، یک کم سخت است. با صحبت، زمانی هم که اتاق مشترک ایجاد کردید، هم زمان برای بچه ها هم اتاقی جدا ایجاد کنید که طبق یک قاعده ای که حتی الامکان اگر اتاق مشترک نداشتیم تا الان، رختخواب مشترک داشتیم. ولی حالا می خواهد اتاق ها جدا شود. مثلاً، اتاق پدر و مادر مشترک باشد. چرا که یک زمان هایی پدر و مادر باید راجع به یک سری مسائل صحبت کنند، تصمیم گیری کنند، آنجا شاید لزومی نداشته باشد بچه ها دخالت کنند، پدر و مادر باید در یک فضای امنی وقتی صحبت های جدی دارند، صحبت کنند حواس شان پرت نشود. ما لزومی ندارد ذهن بچه ها را متبادر کنیم که در اتاق مشترک فقط چه کاری انجام می شود. اتاق مشترک پدر و مادر نیاز دارند خیلی از کارهای روزمره مشاوره ای شان را در آنجا انجام بدهند. لذا در اتاق خیلی وقت ها باز است، پدر و مادر می خواهند حرف بزنند می روند در اتاق روی تخت شان می نشینند صحبت می کنند و وقتی بچه وارد می شود می گویند عزیزم، بی زحمت در را ببند، ما داریم باهم صحبت می کنیم.

یکی از مادران: چون پسر ۱۵ ساله و دختر ۵ ساله است، دو اتاق هم داریم.

پاسخ: شما برای دختر ۵ ساله تان، یک گوشه ای از هال را می توانید حتی با یک پرده جدا کنید، برایش یک تخت بگذارید که آنجا را به عنوان اتاق اش قلمداد کند و هیچ لزومی ندارد که شما دو تا اتاق را اختصاص بدهید به بچه ها و خودتان بخواهید در هال بخوابید.

سن بلوغ، یک معنی است که بچه ها خوابشان دچار اختلال می شود. مثلاً خواب است یک دفعه می بینید نیمه شب بی خوابی به سرش زده، شما خوابید، آن بچه بیدار است و خیلی فضای امنی مثل یک اتاق جدا ما نباید برایش ایجاد کنیم. و او این که بچه قابل اعتماد است و ما دائماً این قابل اعتماد بودن را به او القاء می کنیم. ولی اگر این طور نباشد بهتر است.

سؤال مادران: اگر در اتاق خواب مشترک خودشان با همسرشان یک فضای جداگانه ای برای دخترشان در نظر بگیرند بهتر از این نیست که در هال یک فضای جدایی با پسرشان ایجاد کنند؟



پاسخ: ببینید. شما وقتی اتاق پسر جداست، و ما در حال یک فضای را برای این بچه ایجاد کردیم یعنی در واقع آن هم اتاقش جداست. ولی در اتاق پدر و مادر همان مشکل اشتراکی را خواهد داشت. مگر این که خیلی باید مراقبت‌های دیگری بشود. دختر و پسر در یک اتاق نباشند. گفتیم برای آن آقا پسر، آن اتاقی که هست برای او باشد یا همان اتاق را با یک پارتیشن می‌شود جدا کرد که اتاق این‌ها جدا شود. این بهتر از این است که ما بخواهیم اتاق بچه را با اتاق پدر و مادرش یکی کنیم. چون بچه ۵ ساله وقتی در اتاق پدر و مادرش بخوابد، دیگر یک مقدار که بزرگتر شود به هیچ عنوان دیگر جدا نمی‌شود.

در ادامه بحث تربیت جنسی، بحث اختلالات و علل خودارضایی را داشتیم می‌گفتیم. حدود ۱۳ علت را گفتیم، یکی از مشکلات را گفتیم مشکلات دوران پرستاری است. معمولاً دوره‌ای که از تولد شروع می‌شود و به ۳ سالگی ختم می‌شود را، ما دوره پرستاری می‌گوییم. این دوره یک شرایط خاصی دارد که فوق‌العاده حائز اهمیت است. مثل کیفیت شیر خوردن‌اش، تغذیه‌اش، تنظیم خواب‌اش، نوع بازی‌هایش، تا حد زیادی در حیات جنسی‌اش تأثیرگذار است. به عنوان مثال، بحث نحوه خواباندن بچه، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که والدین باید توجه خاص داشته باشند. بعضی از مادران بچه را دم‌ر می‌خوابانند روی پیشان و اون رو تگون می‌دهند. در واقع این کیفیت نوع خوابی که برای بچه ایجاد می‌کنند، باعث تماس آلت جنسی بچه با پای مادر می‌شود و خواه ناخواه این تحریک ایجاد می‌شود. در سن پرستاری، بچه‌ها بدخوابند، بی‌قرارند، نیاز دارند مادر کمک‌شان کند. اینجا به هیچ عنوان خواهش می‌کنیم مادران عزیز بچه را دم‌ر نخوابانند، و هر حرکتی که منجر شود که تماس با آلت تناسلی بچه ایجاد کند، چه رختخواب و چه زمین، باید خودداری شود که ما برای بچه از آن اول عادت ایجاد کنیم که به صورت تاق باز بخوابد. یا اگر به پهلو هم می‌خوبد، پهلوئی که متمایل به تاق باز خوابیدن باشد.

بحث دیگری که مربوط به دوره پرستاری می‌شود، بحث تطهیر بچه‌هاست. یعنی مثلاً می‌خواهیم پوشک‌شان را عوض کنیم یا وقتی بزرگتر شده‌اند دستشویی می‌بریم می‌خواهیم آن طهارت‌شان را انجام دهیم، این که دست والدین به هیچ عنوان خیلی نباید با عضو جنسی کودک تماس داشته باشد. چون گفتیم این قاعده را یادتان باشد، این عضو پر از سنسورهای حساس است. لذا با کوچک‌ترین تماسی وقتی تحریک شود، احساس لذت ایجاد می‌شود و قطعاً عادت نامطلوبی برای بچه ایجاد می‌کند. وقتی در دوره پرستاری این اتفاق بیافتد، بعداً تداوم این کار، دستکاری خود کودک را ایجاد می‌کند، و بالاخره نهایتاً می‌رسد به بحث خودارضایی یا همان استمناء.

یک زمان‌هایی می‌بینید بعضی از والدین متأسفانه برای سرگرم کردن بچه نوزاد یا بزرگتر، با آلت جنسی او بازی می‌کنند که ممکن است بچه موقتاً مشغول شود و بخندد، ولی به هیچ عنوان در حیات جنسی‌اش اثر خوبی نخواهد گذاشت. یک وقتی دیگران مثل مادر بزرگ‌ها این کارها رو می‌کنند، اینجا والدین عزیز در عین احترام،



با قاطعیت جلوی این مسأله را بگیرند. اگر ما فرزندان دختر یا پسر است قطعاً باید توجه داشته باشیم که لباسی که برای بچه تهیه می‌کنیم مناسب جنسیت‌اش باشد. علت بعدی، نیمکت‌هایی هستند که ما به عنوان نیمکت‌های مسأله آفرین یاد می‌کنیم. در برخی مدارس مخصوصاً کلاس‌های پرجمعیت، بیشتر این زمینه برای تحریکات جسمی و جنسی وجود دارد. در یک نیمکت چند دانش‌آموز باید کنار هم بنشینند و وقتی چسبیده به هم نشستند مشکلات عدیده‌ای پیش می‌آورد. در مدارس راهنمایی استفاده از میز و صندلی‌های تک نفره توصیه می‌شود.

مسأله بعدی، تنبیه بدنی است. یکی از عواملی که فوق‌العاده مؤثر است در گرایش به بحث خودارضایی نوجوان‌ها، تنبیهات بدنی است که در مورد بچه‌ها خصوصاً در دورهٔ کودکی و احتمالاً نوجوانی اولین گام برای خودارضایی محسوب می‌شود. یکی از صاحب‌نظران در این زمینه گفتند یکی از صاحب‌نظران فرمودند تنبیه بدنی سخت یا زیان‌های جسمی، زیان‌های جنسی و روحی فراوانی را برای فرد به ارمغان می‌آورد و به راحتی ممکن است کودک را مبتلا به سادیسم یعنی جنون‌آزار یا مازوشیسم که عکس سادیسم است یعنی تمایل به برده‌صفتی و رنج‌بری می‌کند. دو سو که یکی از نویسندگان فرن هجدهم است در کتابی به نام اعترافات خودش که یک ضایعهٔ نامیمون جنسی خودش را در اثر کتک خوردن از مربی خودش اذعان می‌کند که این اتفاق به خاطر این مسأله در من ایجاد شده که فوق‌العاده او را رنج می‌داده است.

پس بنابراین این گونه اعمال و تکرار تنبیه بدنی، اتفاقی که می‌افتد این است که مثلاً ما یک زمانی برای تأدیب بچه‌ها، آن‌ها را تنبیه می‌کنیم یعنی آزاری به بچه می‌رسانیم که احساس درد می‌کند بلافاصله پروسهٔ درد وقتی فعال می‌شود ذهن بچه می‌رود در پروسهٔ درده آن زمان دیگر متوجه آن علت تنبیه نیست. یعنی ما او را به خاطر کار بدش تنبیه کرده‌ایم ولی وقتی من کتک می‌زنم به قدری آن شدت درد، ذهن او را فعال می‌کند و بدن را پروسهٔ درد می‌برد و آن حالت انتقام و پرخاش را در او فعال می‌کند، به هیچ عنوان جنبهٔ تربیتی ندارد. یعنی آن چیزی که من به خاطر هدف آن کار را کردم، اینجا مغفول می‌ماند. و همین عامل باعث می‌شود به مرور زمان بچه‌ها به انزوا کشیده می‌شوند. در واقع کتک، زمینهٔ قهر والدین را ایجاد می‌کند. وقتی قهر بین والدین و کودک ایجاد می‌شود، زمینهٔ انزوای بچه‌ها بیشتر می‌شود و خود انزوا، بستر مساعدی برای رشد زمینه‌های انحرافات جنسی مثل خودارضایی است.

تنبیه کودک یا نوجوان او را به تنبیه معتاد می‌سازد و این خود موجب ریشه گرفتن انحرافات مازوشیسم یعنی تمایل به خودآزاری می‌شود. تنبیه موجب عقب افتادگی و عدم رشد روانی یا اختلال روانی می‌شود. تنبیه درسی عملی است برای پرخاشگری در حال عصبانیت کودک یا نوجوان می‌آموزد که برای فرونشاندن خشم خود دیگران را بیازارد و به این ترتیب نهال انحراف سادیسم که تمایل به دیگر آزاری است در او نهاده می‌شود.

بچه‌های ما در این زمان که دارد شاکله‌شان قوی می‌شود، یواش یواش دارند قوت پیدامی‌کنند به همین اندازه هم



آمدگی این را دارند که آسیب ببینند. بنابراین همان‌طور که بچه‌ها در این شرایط توانایی‌شان چند برابر است برای کارهای بزرگ، میزان آسیب و آمدگی آسیب دیدن‌شان هم زیاد است. از آن طرف، زحمت پدر و مادر و تکلیف آن‌ها هم به مراتب در این زمان بیشتر است.

دعای ۲۵ صحیفه سجادیه را خیلی بخوانید فوق‌العاده دعای قشنگی است. در مورد دعای والدین است در حق بچه‌ها. انگار تمام چیزهایی که انسان می‌خواهد به خدا بگوید بند به بند را در این دعا آورده است.

عامل بعدی، بیماری انگلی است. این بیماری‌ها مثل همان بیماری‌های پوستی در برخی موارد چون خارش زیاد در موضع خاصی از بدن وجود دارد مخصوصاً وقتی دستگاه تناسلی کودک یا نوجوان باشد، این مسأله حادتر است. خارش ایجاد حساسیت می‌کند، حساسیت هم منجر به تحریک جنسی می‌شود، اول از خاراندن لذت جنسی به وجود نمی‌آید، ولی بعداً همان خارش که رفع تنش می‌کند، به مرور وقتی تکرار می‌شود یک نوع لذت جنسی و در ادامه، مقدمه‌ای برای استمناء یا خودارضایی ایجاد می‌شود.

بحث بعدی، نگاه حرام است. از قول معصوم داریم که نگاه حرام، تیری است از تیرهای شیطان، چشم انسان دروازه ورود تصورات و اندیشه‌های انسان است، گزاف نگفتم. اینجا است که ما والدین باید دقت کنیم در مقابل بچه‌ها لباس پوشیدن‌مان که مناسب باشد یا وقتی می‌خواهیم لباس عوض کنیم ممکن است یک آن بچه‌ها چشم‌شان بخورد و قدرت تصویرسازی بچه‌ها زیاد است و این تصویرسازی مقدمه تصورات ذهنی بچه‌ها را ایجاد می‌کند. آن زمان‌هایی که بچه‌ها ساعت خلوت پیدا می‌کنند چیزی در کنارشان نیست فقط یک صحنه‌ای را دیدند آن وقت آن فانتزی‌های ذهن خودش با همان نگاه ابتدایی می‌پروراند و خدای ناکرده همان می‌شود مقدمه یک نوع انحراف.

بحث خلاء عاطفی و روانی در واقع منفذ اصلی نفوذ گرایش‌های نامطلوب است. در واقع این خلاء و کبودهایی که از این خلاء ایجاد می‌شود یک زمینه مساعدی را برای آسیب‌پذیر کردن نوجوان ایجاد می‌کند. هات فیلد یک روانشناس است متخصص دوره نوجوانی است می‌نویسد از جمله علل روانی می‌توان افراط تحریک حسی یا جنسی را نام برد که کودک نمی‌تواند از آن درگذرد، اما رایج‌ترین علت روانی استمناء، نقصان محبت است. یعنی تمام این علت‌هایی که گفتیم یک طرف، نقصان محبت یک طرف. چون کودک از دیگران مأیوس و دلسرد شد، به خودش می‌گراید، به طوری که تمام زندگی عشقی وی متمرکز بر لذت جسمانی او می‌گردد و میل شدید احساس این لذت حاصل می‌شود.

سؤال مادران: این که فرمودید در مورد کتک زدن بچه‌ها، من قدری ترسیدم. پسرمان الان ۱۳ سالش است. ولی خوب شاید سال‌های قبلی از این که مدرسه برود، یک دفعه کار خیلی خطرناکی کرده بود، همراه من نبود. یک خاطره بدی در مورد کتک زدنش دارم که یادم نمی‌رود. با پدر بزرگش بیرون رفته بود وقتی برگشت از پارک



به من گفت مامان اونجا یک سوزن افتاده بود من سوزن را برداشتم و در دستم فرو کردم. خون آمده بود. بردمش دکتر. بعدش یک کتک خیلی مفصلی به او زدم. هنوز خودش می گوید مرا زدی، و من این زدن را هیچ موقع یادم نمی رود. خیلی ترسیده بودم که نکنند آن سوزن در پارک آلوده باشد. الان که شما گفتید خیلی نگران شدم رفتم در اتاق را باز کردم او را بوسیدم و آمدم بیرون.

پاسخ: همه این خطاها را ما جسته گریخته داریم. ما هم که معصوم نیستیم. ما انسان هستیم و اقتضایی عمل می کنیم. قالب نیستیم که ما را یک جور شکل داده باشند همیشه آن جور عمل کنیم. یک وقت مثل همین احساس هیجان و ترسی که به شما قالب شد و این که آن بچه را تنبیه کردید به خاطر آن کاری که انجام داده بود به خاطر عواقب کارش. این ترس بود که شما را تحریک کرده این کار را انجام دهید و ان شاء الله که این اتفاق نمی افتد، ولی بیشتر بحث ما روی این است که بعضی اصلاً شیوه تربیتی شان کتک زدن است. نمی خواهیم بگوییم یک بار، مشکلی پیش نمی آید ولی روی صحبت من این است که برای او علت اش را توضیح دهید. دوست داشتن تان را برایش خیلی بولد کنید. که الان من خودم را سرزنش می کنم ولی به خاطر آن میزان دوست داشتن تو بود که من با تو این برخورد را کردم. چون می ترسیدم از این که سوزن با بدن تو می خواهد چه کار کند. هر دفعه گفت شما بیشتر به او ابراز محبت کنید.

سؤال: من پسرانم در یک اتاق می خوابند. جایشان جداست. ولی خیلی اصرار می کنند یک بار در ماه پیش هم بخوابند.

پاسخ: به هیچ عنوان این اجازه را ندهید. ولی مستقیم با آنها برخورد نکنید. حواسشان را پرت کنید و طوری که به عنوان دیگری تلاش کنید که این اتفاق پیش نیاید.

سؤال: من پسر ۷ سالش است. شاید نزدیک یکی دو ماه است شب ها که می خواهد بخوابد شدیداً می ترسد. شب که می شود می گوید وای دوباره شب شد. شام که می خواهیم بخوریم می گوید من میل ندارم. اصلاً حال خوب نیست. بهونه می آورد که شام نخورد. بعد که می گویم برو بخواب، همه اش نگران است. می گویم چرا؟ می گوید می ترسم. می گویم بابت چه؟ می گوید می ترسم زلزله بیاید. بعد بلند شوم بینم کسی نیست. یا می ترسم دزد بیاید. من یا پدرش می رویم پیشش می خوابیم برایش داستان تعریف می کنیم.

پاسخ: ترس، ورودی دارد. ما ناچاریم علت ترس را پیدا کنیم. حالا این علت بعضی وقت ها در لایه های سطحی ذهن بچه است، یعنی آن اطلاعات و داده هایی است که در سطح روان بچه ماست و من با یک کنکاش کوچک می توانم متوجه شوم. مثلاً از آن روزی که از خیابان می رفتیم یک دفعه ماشین ترمز کرد ماشین جلوی ما پیچید، بچه من از آن به بعد می ترسد جلوی ماشین بنشیند. خوب، الان بچه من اینجا می ترسد. تا علت ترس را پیدا نکنیم، نمی توانیم برطرف اش کنیم. حالا او بزرگتر شده خجالت می کشد. به چند نکته خیلی توجه کنید. به هیچ



عنوان نگویید تو بزرگ شدی، مرد شدی، مرد که نمی ترسد، چون هرچقدر شما این را بگویید آن مسأله ترس می رود در لایه های مخفی تر ذهن این بچه، و به مرور زمان این را عنوان هم نمی کند ولی این ترس، می شود مقدمه خیلی از گره های که ممکن است در ذهن اش باشد. من پیشنهاد می کنم شما یک مشاوره ساده بچه را ببرید. با یک تست می رسند به این که این ترس ورودی اش از کجا بوده. آن وقت آن مشاور قدم به قدم این پروسه را عقب می رود تا علت ترس را برای بچه بازگو کند. حالا توان او را تقویت می کند در مقابله با آن اضطراب و استرسی که به نام ترس است. باید پیدا کنید ورودی این بچه از چه زمانی است.

مثلاً من الان پسرم سرما خورده، به او می گویم فلان روز وقتی حمام، رفتی بیرون برگشتی هوا سرد بود الان سرما خورد. خیلی مشهود است. می گویم سرماخوردگی الان تو مال این قضیه است. خیلی راحت علت اش پیدا شد. می گوید خوب، حالا باید قرص سرماخوردگی بخورم یا خدای نکرده بدتر شود باید دکتر بروم.

این مشکلات جسمی ماست که خیلی بارز و آشکار ما این را می بینیم. ولی مشکلات روحی روانی به این راحتی اتفاق نمی افتند. این یک چیزی بوده که الان با یک مشاوره ساده حل می شود، چرا ما باید در مقابل این مقاومت کنیم؟

کتک چیزی است که قوت ما را نسبت به بچه ها ثابت می کند. ولی مطمئن باشید آن ها در این سن بحث انتقام در ذهن شان فعال می شود. همان موقع ساکت می شود و چیزی نمی گوید، از خواسته اش دست برمی دارد، ولی مطمئن باشید که این حل نمی شود. یک راه خطا رفته ای اگر قرار باشد اصلاح شود قطعاً انرژی بیشتری می طلبد. لازم نیست یک سره از او عذرخواهی کنیم که من اینجا کتک ات زدم، نه؛ این راهکار خاص خودش را دارد که با یک سؤال و یک جمله هم حل نمی شود. باید دید چه زمان هایی این اتفاق می افتاده، چرا این اتفاق می افتاده، مشکل را حل کنیم. تبدیل به مسأله اش کنیم. برای آن جواب پیدا کنیم. حل اش کنیم تا دیگر آن مسئله به عنوان بحث کتک اتفاق نیافتد. دوم این که به هر حال آن بچه آسیب دیده به خاطر این اتفاقاتی که برایش افتاده، حالا با محبت (نه افراطی) با راهکارهای ترمیم گر عاطفی ان شاء الله جایگزین اش شود تا آن مسئله حل شود. خدا ان شاء الله به والدین صبر عطا کند.

آن زمانی که دارید صبوری می کنید، مطمئن باشید صبوری خداست و خودتان را به این قدرت لایزال گره بزنید. حتماً خدا جواب می دهد.

پایان مبحث

جلسه دهم سرکار خانم ریحانی